

تحقق سود و جدائی از سرمایه

مفاهیم سود اقتصادی و سود تحقق یافته موضوعات بحث بر انگیزی در حسابداری شرکت و حوزه های مربوطه بوده اند. این بحث ها مکرر به شکل های مختلف آمده اند نه تنها برای تجدید نظر در مفهوم سود از لحاظ سود اقتصادی بلکه در حوزه های مربوطه مثل مالیات بر سود شرکت و محدودیت های سود سهام. در این بخش، نگاهی سریع به سابقه قضائی در US داریم، به عنوان راهنمای بررسی پروسه تعامل مفهوم سود و برقراری مفاهیم تحقیق. سابقه قضائی مورد بحث کار Eisner در مقابل Macomber است که توسط دیوان عالی فدرال US در 1920 وضع شد. اگر چه این وضع اساساً یک اختلاف بر سر شرایط کد درآمد داخلی بود که سود سهام را به عنوان سود مالیاتی فرض می کرد، اما موضوعی مهم در تاثیر بر آیندگان شد از این نظر که شیوه های مفهومی را بر قرار ساخت. تصمیم دیوان از تفسیر مفهوم تحقق به شکلی بود که یک افزایش صرف در ارزش سرمایه بر روی تشکیل درآمد کافی نیست اگر از سرمایه جدا شود بنابراین انکار کرد که سود سهام، درآمد سود باشد.

تصمیم دیوان سود تولید شده از سرمایه را به عنوان جریان کالاها تعریف می کند که از سرمایه جدا شده و دریافت کننده می تواند مستقلاً آنرا استفاده یا واگذار کند. این امر نشان می دهد که در مورد سودهای سهام نقدی سهامداران یک سری اموال را با مالکیت انحصاری بدست می آورند و آزادانه می توانند آنرا واگذار کنند سود سهام تنها مدرکی است از آنچه سهامداران قبلاً مالک آن بوده اند. همچنین افزایش ارزش سرمایه ناشی از سود سهام را نباید به عنوان تحقق سود فرض کرد، تا زمانی که سهامداران اختیاری در سرمایه گذاری مجدد یا مصرف آن نداشته باشند.

این تلاش بود برای توصیف « جریان نقد یا معادل نقد» برای تحقق سود که قبلا با توجه به مالیات بر سود سرمایه به آن پرداخته شده بود. این قانون که افزایش ارزش تحقق یافته را جدا از سرمایه به عنوان سود در نظر می گیرد سعی کرد مفهوم حسابداری سود تحقق یافته را با اضافه کردن «آمادگی برای مصرف» بدست آورد، و در همین حال از مفهوم سود اقتصادی شروع کرد یعنی افزایش ارزش در سرمایه البته جدائی از سرمایه، در صورتیکه رضایت از شرایط آمادگی برای مصرف کافی باشد ضروری نیست. حتی قبل از تحقیق (بازیافت) جریان نقد افزایش در ارزش سرمایه از طریق وام گیری قابل مصرف است. ولو اینکه افزایش ارزش از سرمایه جدا نباشد سرمایه تا آنجا که مازاد مصرف شود بر قرار خواهد بود. این درست است که در شرایط دسترسی برای مصرف با سود اقتصادی نیز مطابقت دارد. البته سهام به خودی خود سروکاری با سود سهامداران ندارد، افزایش در ارزش سود آنها که ناشی از جمع آوری درآمد قبل از آن است، سود قابل تقسیم پیرای سهامداران را در پی دارد. با این وجود، رای دیوان مشخص کرد که دارایی سهامداران در عواید حفظ شده، سرمایه است نه سود. سهام از سود سهامداران خارج شد زیرا نه شرایط شرکت را بدتر میکرد و نه به نفع سهامداران بود. انتقال سرمایه شامل جریان نقدی (یعنی سود تحقق نیافته)، و نه صرفاً ترقی قیمت ارزش سرمایه، به عنوان عامل سود در نظر گرفته میشود.

بحث بالا نشان می دهد که سود تحقق نیافته به عنوان یک مفهوم حسابداری را باید به عنوان مفهومی در تضاد با سود اقتصادی نگاه کرد تا یک مفهوم وابسته به آن. آن یک مفهوم مشتق شده از سود اقتصادی با تحمیل یک شرط اضافی نبود. در عوض به نظر میرسد که تحقق به عنوان یک جریان نقدی به عنوان یک شرط لازم از ابتدا محسوب می شد و آن شرط توسط مفهوم جدا سازی از سرمایه توضیح داده شد. این بدان معنا است که سود اقتصادی و سود تحقق یافته، مفاهیم مستقل با اهداف و مبدا متفاوت هستند